

اصول و مبانی تنظیم زندگی مشترک از دیدگاه اسلام

مترجم: محمود هوشم

نسبی و تابع تفاوت عنصر زمان و مکان و اشخاص تلقی کنند. در این میان عده‌ای از راست‌گرایان، اصطلاح مسابقه را در تبیین افعال اجتماعی بکار برده‌اند، اما نه بدان معنی که مفاهیم تعارض و یا رقابت و از این قبیل را کاملاً از مباحث اجتماعی خود حذف کرده باشند، بلکه بدین صورت که در ضمن بحث از مفاهیم تعارض، مخالفت و یا سرپیچی از مفاهیم فوق‌فراتر رفتن تا مطلق فعل و انفعالات اجتماعی را خواه به شکل مثبت و یا منفی شامل شوند.

تعارض و مباحث معاصر

نگرش‌های انتقادی معاصر متناسب با ایدئولوژی انقلابی خود، مباحث اجتماعی را به میدانی جدید یعنی به میدان تعارض کشانده‌اند. در این میان چپ‌گرایان نیز خصوصاً آنها که حرکت انتقادی علیه جامعه‌شناسی محافظه‌کاری را رهبری کرده‌اند، این قضیه را برانگیخته‌اند، که به نوبه خود بر جامعه‌شناسی تأثیر بسزایی بر جای گذاشته است.

در این میان حتی خود مباحث محافظه‌کاری که در جهت حفظ وضع موجود، متهم به طرح موضوعاتی از قبیل نظام، تکامل و استقرار بودند نیز شروع به طرح بررسی‌های مستقلی تحت عنوان تعاون و تغییر نمودند که در واقع پاسخ و یا عکس‌العملی بود در مقابل این اتهام که نگرش محافظه‌کاری مفهوم تعارض را در مدنظر ندارد و وقایع و حوادث معاصر را تبعیت و پیگیری نمی‌کند.

توافق عبارت است از رسیدن به این باور که مخالف را باید با همه ماهیتش پذیرفت و وحدت یافتن یعنی مشابه او شدن و وی را برای یک اصل معینی در خود هضم کردن به طوری که جزئی از وجودش بشویم. این موضوعات را در بسیاری از پدیده‌ها که منجر به تغییرات اجتماعی می‌شوند و یا حتی در پدیده ثبات اجتماعی نیز می‌توان دریافت. عده‌ای نیز اعتقاد دارند که تعارض اساساً فرایند مشروعی است که زندگی اجتماعی را زنده نگه می‌دارد و مانع بروز یکنواختی، خستگی و ملال می‌شود. بعضی اشکال دیگری مانند حب و تنفر،

سیطره و خضوع را ملاک تقسیم افعال اجتماعی دانسته‌اند. عده‌ای نیز فعل اجتماعی یا روابط اجتماعی را به صورت تک بعدی صرف‌نظر از تضاد و تقابل بین روابط مختلف طرح کرده‌اند. این گروه از زوایای مختلف متناسب با تفکر خاص خود به طرح موضوع پرداخته‌اند، مثلاً چپ‌گرایان بر مفهوم تعارض تمرکز دارند. ایشان معتقدند که حرکت تاریخ موجب تعارض طبقاتی، سیاسی و یا فرهنگی می‌گردد و نتیجه نهایی همین تعارض است که نوعیت فلسفه مادی را می‌سازد و یا مثلاً جناح محافظه‌کار (راست‌گرایان) برای اثبات مدعی خود از افعال اجتماعی استفاده می‌جویند که مؤید ماهیت عنصر شعور و انعکاس آن بر افراد و گروه‌هاست. این گروه از طرح مفاهیم تعارض و تکامل اجتناب می‌ورزند تا بدین وسیله افعال اجتماعی را متأثر از موضع‌گیرهای صادره از عنصر شعور بدانند و تأثیر شعور را نیز

عنصر توازن اجتماعی با بهره‌وری از مجموعه‌ای از مکانیزم‌های رفتاری ویژه تحقق می‌پذیرد، در رأس همه باید از فرایندهایی مانند تعاون، تعارض، رقابت، تطابق و یا عقب‌نشینی نام برد. طبیعتاً هر یک از این مفاهیم دارای معانی مثبت و منفی است که هر کدام به نحوی بر زندگی مشترک تأثیر می‌گذارند.

بجاست دیدگاه وحی و مادی در قبال هر یک از این فرایندها به روشنی توضیح و تبیین شود. از دیدگاه مادی نگرش‌های متفاوتی در این زمینه وجود دارد، نگرش محافظه‌کاری افعال را به اقسام دوگانه تعاونی و تخصمی مطابق ترکیبی مبتنی بر میل به خیر و شر طرح می‌کند. در مورد رابطه تخصمی بعضی آن را دو قسم تعارضی و رقابتی می‌دانند. تعارض نوعی هدف ذاتی و خودمدارانه است (مانند حالتی که دانشمندی در جهت کسب مال و موقعیت تلاش دارد). اما رقابت حاوی یک هدف موضوعی است (مانند حالتی که دانشمندی در ارائه حقایق علمی با دیگران به رقابت می‌پردازد) بنابراین اگرچه رقابت در اینجا دارای معنی مثبت است، با این همه نوعی رابطه تخصمی را نیز نشان می‌دهد، به همین دلیل این عده تعاون و رقابت را به دلیل نتایج اصلاحی که در بر دارد به عنوان دو فرایند مثبت تلقی می‌کنند.

برخی تعاون و تعارض را به عنوان دو فرایند مثبت تلقی می‌کنند، یعنی معتقدند که تعارض در نهایت از طریق فرایند توافق و وحدت یافتن به تعاون منجر خواهد شد.

جریان میانه‌ای نیز وجود دارد که هر یک از تعارض و تکامل را به مثابه دو فرایند متساوی قلمداد کرده است که به زندگی اجتماعی واقعیت و مفهوم می‌بخشد.

حال که دانستیم جامعه‌شناسی معاصر نشاط و فعالیت آشکاری مخصوصاً پیرامون نظریه تعارض و دیدگاه‌های متفاوت همراه با آن به صورت محافظه‌کاری، اعتدال و رادیکالیسم آغاز کرده است، این نکته را نیز باید گفت که انتخاب قضیه تعارض و محوریت بخشیدن بدان، بیشتر به نوعی عکس‌العمل‌پذیری شبیه است تا واقعیت‌پذیری.

هیچیک از نگرشهای اجتماعی قدیم و جدید مفهوم درستی از «فعل» و یا «رابطه» ارائه نمی‌دهند و فقط با توسل به دو عنصر تعاون و تعارض قادر به درک وقایع اجتماعی می‌باشند به طوری که حذف هر کدام این دو عنصر مانع درک درست از این وقایع می‌شود، همین باعث گردیده تا عده‌ای از جامعه‌شناسان بی‌طرف چنین تصور کنند که تعارض پدیده‌ای وهمی و اسطوره‌ای است، به عنوان مثال چپ‌گرایان خود فی حد ذاته تعارض را هدف نمی‌پندارند بلکه آن را تعبیری از مراحل بهره‌کشی و استثمار اقتصادی، سیاسی و فکری فردی از فرد دیگر می‌دانند. بنابراین بحث از نظام و یا تکامل و یا استقرار رنگ و جوی عدم بهره‌وری و استثمار به خود می‌گیرد و لذا درمی‌یابیم که طرح مفهوم تعارض و پافشاری بر آن از طریق جریان انتقادی (خصوصاً چپ‌گرایان) تعبیری از ایدئولوژی است و نه واقعیت اجتماعی.

اما هدف از طرح آنچه که درباره دو جریان انتقادی و محافظه‌کاری بیان داشتیم این نیست که بگویم اسلام بنا به اقتضا و ماهیت خود با تمام وقایع اجتماعی مورد اعتنا دیدگاه‌های مادی مخالف است و فقط از مجموعه‌ای از اصول نظری مطابق با اصول و مبانی اسلامی استفاده می‌جوید، که در این صورت تعامل با فرایندها و یا روابط اجتماعی بعد نسبی پیدا می‌کند. در این مورد می‌توان زوایای مختلفی برای

ابعاد فوق قائل شد مانند این که تمام روابط مادی را مردود سازیم یعنی در مقابل تمام آنچه که هست به عنوان یک وظیفه و مسئولیت واجب موضع تعارض اتخاذ کنیم، در این صورت تعارض مفهوم روشنی پیدا می‌کند و یا اینکه تعارض با روابط مادی را مشروط به مبانی و اصولی بدانیم که خود تابع شرایط و اسباب دیگری است که تحت آن شرایط وجود و یا عدم وجود می‌یابد و لذا در این صورت تعارض دیگر یک حقیقت مطلق نیست و همان‌طور که گفتیم می‌توان از آن عقب نشست.

دیدگاه اسلام درباره تعارض

از دیدگاه اسلام تعارض تنها راه حل اجتماعی (فعل اجتماعی) پیش روی موسسه‌های سیاسی نیست، یعنی همان‌طور که برای نگرستن به ساختار کلی جامعه، ساختارهای جزئی جامعه لازم می‌آید و همین ساختارهای جزئی هستند که پایه و اساس جامعه را تشکیل می‌دهند. در این جا موسسه سیاسی نظیر دولت است که گروه‌های کوچکتر و متنوعی همچون گروهی به کوچکی دو دوست گرفته تا همسایگان و یا ارتش و غیره را شامل می‌شود، در این حال تعارض بعضی از گروهها مانع از این نمی‌شود که آنها از همکاری و تعاون با دیگر گروهها بازمانند و این نکته‌ای است که در بحث از سازگاری اجتماعی نشان خواهیم داد که فرایندهایی همچون تعارض و تعاون به نوعی بار و مفهوم عبادی بر آن حمل می‌شود.

بنابراین محدود ساختن روابط به انواع دو گانه و یا انواع واحد آن گونه که در نرد جریان محافظه‌کاری و یا انتقادی مشاهده می‌شود، عمل درستی به نظر نمی‌رسد، چرا که بعضی روابط و یا افعال اجتماعی ویژگی غیر از تعارض و یا تعاون ندارند مانند سازگاری که گاهی به صورت تعاون است و گاهی با کنار کشیدن است و زمانی نیز به صورت تعارف لفظی بدون هیچگونه همکاری و تعاون است.

مفاهیم تعارض و تعاون و سازگاری

و از این قبیل در جامعه‌شناسی اسلامی مفاهیمی مغایر با دیدگاه مادی دارد که مادر زیر به پاره‌ای از اختلافات اشاره خواهیم کرد:

از نظر اسلام فقط آن دسته از افعال اجتماعی حائز اهمیت و اعتبار است که با ماهیت باورهای اسلامی هماهنگ باشند، در واقع این وظایف عبادی است که انواعی از افعال نسبی را مطابق شرایط اجتماعی بر انسان واجب می‌سازد، مثلاً مسلمانان در بین خود تعاون و همکاری می‌کنند و گاه در امر خیر با یکدیگر رقابت می‌کنند و یا با بعضی از دشمنان در بعضی شرایط تطابق می‌یابند و یا گاه اساساً خود را از میدان تعارض با دشمنان کنار می‌کشند.

مثلاً درباره رابطه تعارضی می‌بینیم که احترام گذاشتن به دیگران و رعایت مساوات ضرورت است، در حالی که سیطره‌جویی و خضوع مطرح نیست مگر به خاطر تعاون و همکاری که خود مستلزم نوعی تقسیم کار و توزیع و تقسیم وظایف است، این سطح از همکاری در بین مسلمانان و از طرف دیگر تعامل ایشان با غیرمسلمانان، اشکال متنوعی از روابط اجتماعی را نشان می‌دهد که بعضی از آنها با تصورات مادی هماهنگ است و بعضی کاملاً با دیدگاه عبادی مخالف است و در تمام این شرایط ملاک و معیار وظایف عبادی است که برای هر فرد و یا تحت شرایط اجتماعی مختلف انواع مختلف افعال اجتماعی را طلب می‌کند.

ما در این مقاله به بررسی انواع افعال اجتماعی خواهیم پرداخت و قبل از آن باید از برخی افعال درونی نام برد که به عنوان مقدمه برای افعال اجتماعی در نظر گرفته می‌شوند، چرا که عمل اجتماعی در واقع انعکاسی از درون است و به مثابه ارزش و معیاری است که عمل و فعل اجتماعی بر آن تکیه دارد.

پی‌نوشت‌ها:

۱- این مقاله ترجمه آزاد و گزیده از کتاب اسلام و جامعه‌شناسی تألیف دکتر محمود بُستانی است.